



قاتلان پسر جوان قتل را به گردن هم انداختند

چهار پسر جوان که متهم هستند یکی از دوستانشان را هنگام مصرف شیشه به قتل رسانده‌اند در جلسه دادگاه قتل را به گردن هم انداختند. به گزارش جوان، ۲۸ اسفندسال ۲۰۶ مردسالخوردهای مأموران پلیس جنوب تهران را زانیدند پس از ۲۸ سالش به نام رحیم باخیر کرد او به مأموران گفت: «رحیم ساعتی قبل از آنس گرفت و به خانه دوستش رفت. اما هر چه منتظرش شدیم برنگشت، نگرانم اتفاق بدی برای او افتاده باشد.»

با اظهارات مرد سالخورده تلاش برای یافتن پسر جوان آغاز شد تا اینکه در روند تحقیقات مشخص شد خودروی ۲۰۶ رحیم سرسرت شده و از کارت عابر بانک وی نیز در چند نوبت برداشت شده‌است. با ردیابی پلاک خودروی رحیم یکی از دوستان وی به نام مجید بازداشت شد، اما مدعی شد از سرنوشته دوستش اطلاعی ندارد.

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه در ردیابی تلفن همراه رحیم یکی دیگر از دوستان وی به نام محمد بازداشت شد. محمد در روند بازجویی‌ها به قتل با همدستی مجید، شهاب و فرهاد اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «رحیم وضع مالی خوبی داشته. آن روز مجید با تماس گرفت تا برایش پول بیاورد. ساعتی بعد رحیم با ازانس به خانه مجید که نزدیک راه آهن تهران بود، آمد. شهاب و فرهاد هم برای بازدید کابینت و کارهای برقی به خانه مجید آمده بودند. رحیم و مجید با هم شیشه کشیدند و بعد از آن رحیم از من درخواست نامربوطی کرده به همین دلیل عصبانی شدم و با او درگیر شدم. سپس از دوستانم کمک خواستم. در آن درگیری با چاقویی که همراه داشتم یک ضربه به او زدم سپس مجید با یک پارچه دهان مقول را گرفت تا از نفس افتاد.» وی ادامه داد: «بعد از قتل کارت عابر بانک و تلفن همراه مقول را برداشتم و از خانه بیرون رفتم و ساعتی بعد تصمیم گرفتم جسد را مخفی کنیم که شهاب و فرهاد مقابل خانه پسر مقول رفتند و خودروی ۲۰۶ او را سرقت کردند، سپس با همان خودرو جسد را به بیابان‌های سلطان آباد بردیم و کنار کانال آبی دفن کردیم. دوروز بعد به محل دفن جسد رفتم که دیدیم دست مقول بیرون مانده و سگ‌های زیادی در قبر پر سه می‌کنند.» با اقرارهای متهم دو همدست او شهاب و فرهاد نیز دستگیر شدند اما جرمشان را انکار کردند. به این ترتیب مجید نیز به اتهام معاونت در قتل و سرقت و مباشرت در اخفای جسد روانه زندان شدند. پرونده نیز در حالیکه هنوز از جسد مقول به دست نیامده بود، بعد از صدور کیفرخواست به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز پرونده روی میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی بابایی قرار گرفت. ابتدایی جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. سپس مادر مقول در حالیکه به جسد اشک می‌ریخت، گفت: «من برای مجید مادری کردم و پسرمر از نظر مالی خیلی به او رسیدگی می‌کرد اما او اینگونه جواب ما را داد.» در ادامه محمد در جایگاه ایستاد و خواست اظهارتش در دادسرا گفت: «همه اظهاراتم تحت فشارهای بازی جوی بوده‌است. قاتل مجید است. وقتی مقول از من درخواست نامربوطی کرد عصبانی شدم و او دوستانم کمک خواستم. خودم نیز با چاقو به مقول ضربه زدم اما فقط سر مقول زخمی شد این مجید بود که با کمک شهاب و فرهاد مقول را روی زمین انداخت و با یک پارچه او را خفه کرد. بعد از قتل جسد را در بیابان‌های سلطان آباد دفن کردیم اما نمی‌دانم چرا جسد کشف نشد.»

متهم در خصوص اتهام سرقت نیز گفت: «بعد از قتل گوشی مقول را برداشتم و از کارت عابر او تنها ۴۵ هزار تومان خرید کردم اما مجید با کارت مقول مقداری طلا خرید و شهاب و فرهاد نیز هر کدام یک‌التگو و یک سکه خریدند.» بعد از توضیحات محمد، مقول در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: «در آن درگیری با قلم یک ضربه خوردم، به همین دلیل کنار رفتم. ندیدم چه کسی مقول را به قتل رساند.»

در ادامه شهاب و فرهاد که با قرار وثیقه آزاد بودند در جایگاه گرفتند اما جرمشان را انکار کردند و گفتند: «قبل از درگیری از خانه بیرون آمدیم به همین دلیل از قتل و سرقت اطلاعی نداریم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

سارقان منازل ایستگاه ایست و بازرسی می گذاشتند!



تومان طلا، سکه و دلار و لوازم گرانبه‌ای سبک را سرقت کرده‌اند. با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی میثم حسین پور، دادیار شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. مأموران در نخستین بررسی‌ها شکایت‌های مشابه دیگری رویه‌رو شدند که همگی حکایت از این داشت سارقان که به صورت بلندی عمل می‌کنند و با شناسایی خانه‌هایی در خیابان‌های شمال غرب که مطمئن می‌شوند اعضای خانواده در مسافرت یا مهمانی هستند یا تخریب قفل در خانه وارد شده و اموال قیمتی که شامل طلا، سکه و پول است، سرقت می‌کنند.

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، مأموران با یافتن سارقان در نزدیکی محل‌های سرقت، ایستگاه ایست و بازرسی فریبز را دستگیر کردند.

بله، او هم سابقه زندان دارد. همدست فراری شما چطور؟ فریبز هم سارق حرفه‌ای و سابقه‌دار است. اتفاقاً بار آخر که زندان افتاد ما با او هم‌سالولی بودم که نقشه سرقت را در زندان طراحی و پس از آزادی اجرا کردیم. درباره ایست و بازرسی هنگام سرقت توضیح بده؟ پس از شناسایی منازل فریبز وارد خانه می‌شد و من و برادرم که تجهیزات پلیسی مانند سی‌سیم و چراغ گردان داشتم در نزدیکی محل سرقت کشیک می‌دادیم و افرادی را که به محل نزدیک می‌شدند به عنوان پلیس دستور ایست می‌دادیم و از آنها سؤال جواب می‌کردیم. مثلاً درس خانه‌شان را می‌پرسیدیم و چنانچه می‌فهمیدیم صاحبخانه محل سرقت است به صورت بی‌سیم که فریبز هم یکی همراه داشت به او اطلاع می‌دادیم تا زودتر محل را تخلیه کند، بعد به پنهان‌های بازرسی و سؤال و جواب‌های دیگر او را معلوم می‌کردیم تا فریبز از خانه خارج شود. چه شد که برای سارقان کوچ کردید؟

پدر مقول مدعی بود از قتل پسرش خبری ندارد، اما بررسی‌های مأموران نشان داد عنصر رز حادته وی همراه مقول در آن نزدیکی‌ها دیده شده‌است و قرار بوده همراه او به خانه یکی از بستگانش برود. بنابراین مأموران به پدر مقول مشکوک شدند و وی ۴۶ ساله‌است در بازجویی‌های ابتدایی منکر قتل پسرش شد، اما صبح دیروز وقتی به دادسرای امور جنایی منتقل شد در مقابل بازپرس جنایی با اظهار پشیمانی به قتل بهوز اعتراف کرد.

متهم در ادامه به دستور قاضی دستنشان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مرد میانسال و وقتی پسر شیشه‌اش از یک میلیون تومان پول خواست او را در بیابان‌های اطراف شهرک خلیج فارس در جنوب تهران به قتل رساند و جسد او را همانجا رها کرد. متهم یک‌روز پس از قتل بازداشت شد و به قتل پسرش اعتراف کرد. به گزارش جوان، ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه هجدهم آذرماه قاضی دستنشان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاترزی ۱۷۹ خلیج فارس از کشف جسد مرد جوانی در بیابان‌های حوالی شهرک خلیج فارس با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل حادثه شد. تیم

چرا اگر به می‌کنی؟ از اینکه پسر ما را به قتل رساندم، پشیمانم و الان دلم برای پسر من تنگ شده است. شما که او را دوست داشتی چرا پسر تو را به قتل رساندی؟ بله، همه پدر و مادرها فرزندانشان را دوست دارند، اما گاهی اتفاقات ناگوار رخ می‌دهد که دست ما نیست. یعنی قصد قتل پسر تو را نداشته‌ای؟ نه، هیچ پدری قصد قتل فرزندش را ندارد. پسر تو معتاد بود؟ بله، سه‌سال بود که از طریق دوستان نابابش به شیشه معتاد شده بود و در این سه‌سال عمر من و مادرش را هم در شیشه کرده بود. شما را اذیت می‌کرد؟ بله، ما خیلی سعی کردیم او را ترک دهیم که زندگی سالمی را آغاز

کند، اما فایده‌ای نداشت. او همیشه ما را اذیت می‌کرد و از ما پول می‌گرفت و مواد مخدر می‌خرید و مصرف می‌کرد، روزی که به او پول نمی‌دادیم یا اینکه پولی نداشتیم به او بدهیم ما را درگیر می‌شد و در بین همسایه‌ها و بستگان آبروزبری می‌کرد. کرده بودی؟ بله، او خیلی ما را اذیت می‌کرد و دوروز قبل هم ما را تهدید کرد و گفت اگر به او پول ندهیم تنک می‌زند که پس از درگیری با او به کلاترزی خلیج فارس رفتم و از او شکایت کردم، اما بعد رضایت دادم و آزاد شد.

درباره روز حادثه توضیح بده؟ روز حادثه او از من یک میلیون تومان پول خواست که پس از داد و بیداد ۱۰ هزار تومان که در حسامی داشتم به او دادم اما بهروز اصرار داشت باید یک میلیون تومان به او بدهم. هر چقدر گفتیم

بیشتر از این ندارم فایده‌ای نداشت تا اینکه به او گفتم همراه هم به خانه باجنابم برویم و از او ۲۰۰ هزار تومان قرض بگیرم و به او بدهم. دو نفری پیاده راهی خانه باجنابم شدیم. از بیابان‌های اطراف میان بر زدم که در میانه راه به او گفتم آبروی مرا پیش با جنابم نبرد که عصبانی شد و چاقویی از جیبش بیرون آورد و زیر گلویم گذاشت و تائیه‌هایی بعد با چاقو ضربه‌ای به گلویش زد و من هم که عصبانی بودم چاقو را از او گرفتم و ضربه‌ای به پهلویش زدم که فوت کرد.

بعد چه کار کردی؟ در حالی که خیلی پشیمان و ناراحت بودم به خانه‌مان رفتم. همسر از من پرسید که لباس‌های چرا گلی است که به دروغ گفتم زمین خورده‌ام و بعد سؤال کرد که بهروز کجاست که به دروغ گفتم همراه دوستانش رفت و بعد به اتاق رفتم و تا صبح نخوابیدم و گریه کردم.

متهم: قتل عمد را قبول ندارم

پسر جوانی که متهم است در تفریح شبانه دختری را داخل خودروی ۲۰۶ خودش به قتل رسانده‌است در جلسه دادگاه مدعی شد که قصد قتل نداشته است.

به گزارش جوان، این پرونده صبح دیروز روی میز هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه نماینده دادستان در قرارت کیفرخواست گفت: «۲۸ مردادسال ۹۵ میلاد ۲۹ ساله و دوستش فرهاد برای تفریح به خیابان اندرزگو رفته بودند که فرهاد با دختر جوانی به نام پریسا ۲۸ ساله آشنا می‌شود. آنها داخل ماشین می‌روند و ساعتی در ماشین نشسته‌بودند که میلاد به خاطر طولانی شدن صحبت آنها اعتراض می‌کند. با اعتراض میلاد، دوست او از ماشین پیاده می‌شود اما دختر جوان همچنان در ماشین می‌نشیند. میلاد به طرف ماشین می‌رود و پشت فرمان می‌نشیند تا به منزل بر گردد که با دین پریسا از او می‌خواهد از ماشین پیاده شود اما آن دختر مقول می‌کند و همین باعث درگیری آنها می‌شود. نماینده دادستان ادامه داد: «در آن درگیری میلاد با چاقو یک ضربه به پای مقول می‌زند که مقول با دیدن خون از ماشین پیاده می‌شود سپس شروع به داد و فریاد می‌کند. با فریادهای مقول یکی از ساکنان آن محل شماره پلاک خودروی ۲۰۶ متهم را یادداشت می‌کند و بلافاصله با اورژانس تماس می‌گیرد اما مقول در راه بیمارستان به دلیل شدت خونریزی فوت می‌کند. با قتل دختر جوان، متهم با ردیابی پلاک خودرو دستگیر و با قرار به جرمش روانه زندان می‌شود. با توجه به اعتراضات متهم برای وی درخواست اشد مجازات دارم.»

در ادامه مادر پریسا که در امریکا زندگی می‌کند در دادگاه برای متهم درخواست قصاص کرد. سپس متهم در جایگاه ایستاد و گفت: قتل عمد را قبول ندارم چون انگیزه‌ای برای قتل نداشتم. او در شرح ماجرا گفت: آن شب دنبال فرهاد رفتم و قرار شد برای تفریح و خوردن شام از ورامین به سمت شمال تهران برویم. به خیابان اندرزگو که رسیدیم برای خرید از ماشین پیاده شد اما وقتی برگشتم متوجه شدم فرهاد در ماشین نیست. سرم را چرخاندم دیدم آن طرف خیابان مشغول صحبت با دختری است. وقتی صدایش کردم به طرفم آمد و از من سوئچ ماشین را گرفت تا با هم در ماشین صحبت کنند. آنها ساعتی در ماشین بودند که خسته شدم و فرهاد ارضا کردم. او از من خواست قفایی را صبر کنم اما ساعتی دیگر گذشت و آنها همچنان در ماشین بودند. این شد که عصبانی شدم و دوستم را در صادی بلند صدا کردم. متهم ادامه داد: وقتی فرهاد از ماشین پیاده شد ظاهر اشتفاتی داشت. به او اعتراضی نکردم و رفتم پشت فرمان نشستم اما دختر جوان همچنان در صندلی جلوی ماشین نشسته بود. او از خواستم از ماشین پیاده شوم اما او مدعی شد از فرهاد طلب دارد و باید او را برآی رفتن به یک مهمانی شانه به خیابان ملاصرابیرم. دوباره او از خواستم از ماشین پیاده شود که او به طرفم حمله کرد. آنجا بود که کار دمیوه‌خوری که در ماشین بود، را برداشتم اما تیزی چاقو دستم بود.

مقول دستم را کشید به همین دلیل دستم زخمی شد. در آن کشمکش‌ها بود که نفهمیدم چطور تیزی چاقو به پای مقول خورد اما مقول با دیدن خون از ماشین پیاده شد و شروع به داد و فریاد کرد. همان لحظه در حالیکه در ماشین بود فرار کردم اما چند روز بعد دستگیر شدم. آنجا بود که متوجه شدم چاقو به سفیدران مقول خورده باعث مرگ او شده‌است. متهم در پاسخ به سؤال هیئت قضایی در نظر به پزشکی قانونی که آثار جراحات توی دست و پای مقول نشان از مقاومت او داشته‌است چون شما قصد کشتن او را داشتید، گفت فقط می‌خواستم او را برترسام و باور کنید قصد قتل نداشتم.

مرگ آتشین ۳ کارگر در میان زباله‌ها

آتش‌سوزی در یک کارگاه جمع‌آوری ضایعات حوالی کهریزک در جنوب تهران سه کارگر را به مرگ کشاند و چهار کارگر دیگر را از خمسی و روانه بیمارستان کرد.

به گزارش جوان، ساعت ۳:۳۰ شامگاه دوشنبه هجدهم آذرماه مأموران پلیس تهران با تماس تلفنی شهروندی از حادثه آتش‌سوزی در یک کارگاه جمع‌آوری ضایعات در محله مجیدآباد کهریزک با خبر و راهی محل شدند. بررسی‌های مأموران در محل حادثه نشان داد محل استراحت کارگران در این کارگاه دچار حریق شده که تعدادی کارگر داخل آن گرفتار شده‌اند. همچنین مشخص شد پس از اطفای آتش سه کارگر در این حادثه جان خود را از دست دادند و چهار کارگر دیگر نیز به شدت دچار سوختگی شده‌اند.

سرهنگ سعیداقباری، رئیس مرکز فرماندهی و کنترل پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: صاحب این کارگاه که به دستور مقام قضایی بازداشت شد و علت وقوع حادثه مرگبار توسط کارشناسان آتش‌نشانی در دست بررسی است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

قطعه یک ایلام

برابر رای شماره ۲۱۷۳/۰۰۱۰۰۳۱۵۰۰۱۳۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۱ هیات اول/ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی ملک‌ساهی فر، فرزند دوست محمد، به کدملی ۴۵۰۰۱۵۱۱۸۴ (شش‌دانگ) یک باب ساختمان به مساحت ۲۰۶/۷۶ متر مربع پلاک ۶۶ فرعی از ۱۴۱۹ اصلی واقع در ایلام، میدان نیتس، ابتدای چالسرا خریداری شده از علی و طاهر فیض الهی و منتسب به مالکیت آزاد خان نیک خلق.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله‌ی ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند، ظرف مدت دو ماه و در مورد آگهی‌های اصلاحی ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی، اعتراض خود را به این اداره تسلیم و سپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۹/۵ | نوبت دوم: ۱۳۹۸/۹/۲۰

آگهی مفقودی

سند کمیانی خودرو سواری پراید به شماره شهرداری ایران ۳۵-۷۳۱ هـ ۶۳ و شماره موتور ۲۶۷۲۸۸۷ و شماره شناسی S1412287558794 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمیانی خودرو سواری پژو مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره شهرداری ایران ۶۸-۱۵۹ ن ۴۶ و شماره موتور 167B0034553 و شماره شناسی NAAP41FE9HJ042323 متعلق به آقای حمید امام وردی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو سواری پژو ۲۰۷ هاج بک مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید به شماره شهرداری ایران ۳۸-۷۱۷ ن ۱۴ و شماره موتور 178B0007721 و شماره شناسی NAAR03FE6HJ162998 مفقود گردیده و از درجه اعتبار می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز، سند ماشین، سند کمیانی و کارت خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۵ به شماره شهرداری ایران ۱۵-۸۱۴ هـ ۵۶ و شماره موتور 1808192 و شماره شناسی S1412285793875 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سند کمیانی، سند مادر، برگ سبز و کارت خودروی سواری سمند ایکس مدل ۱۳۹۴ به شماره شهرداری ایران ۱۵-۸۵۷ ق ۶۱ خودروی و شماره موتور 12483153759 و شماره شناسی 83246415 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

کارت هوشمند به شماره ۳۰۶۷۱۷۳ خودرو سواری وانت زامیاد نیسان مدل ۱۳۹۲ به شماره شهرداری ایران ۱۵-۶۹۵ ن ۶۷ و شماره موتور ۸۰۰۳۶۰۴۴ و شماره شناسی NAZDL104TKB048324 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

تکلیف و پشیمانی از متهمان

تکلیف و پشیمانی

تکلیف و پشیمانی

تکلیف و پشیمانی